



تاریکخانه‌های اقتصاد، زیستگاه انحصار و فساد است

دکتر محمد نهاوندیان رئیس دفتر رئیس جمهوری در گفتگویی با اطلاعات، با تشریح وضع اقتصادی کشور و میزان توانمندی آن در مواجهه با شرایط کنونی جهان، سیاست‌های دولت یازدهم را برای کارآمدی بخش اقتصادی کشور برشمرد.

دکتر محمد نهاوندیان در گفتگو با روزنامه اطلاعات:

تاریکخانه‌های اقتصاد، زیستگاه انحصار و فساد است

شفاف‌سازی و رقابت، درمان فساد اقتصادی است

دکتر محمد نهاوندیان رئیس دفتر رئیس جمهوری در گفتگویی با اطلاعات، با تشریح وضع اقتصادی کشور و میزان توانمندی آن در مواجهه با شرایط کنونی جهان، سیاست‌های دولت یازدهم را برای کارآمدی بخش اقتصادی کشور برشمرد. آنچه در پی می‌آید بخش‌هایی از این مصاحبه تقریباً طولانی است که بناست متن کامل آن در ویژه‌نامه نوروزی روزنامه اطلاعات منتشر شود.

وی در این گفتگو بایان این که به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران حوزه اقتصاد، ایران از ظرفیت‌های بسیاری برای ورود به عرصه اقتصاد جهانی برخوردار است افزود: این تعبیر بیش از پیش شنیده می‌شود که ایران شاید مهمترین اقتصاد در حال ظهور در آسیا باشد که امیدواریم با اتخاذ تصمیم‌های کارشناسی و اجرای آنها، این موضوع تحقق یابد. نهاوندیان بایادآوری این که دولت‌ها هم می‌توانند مانع توسعه و هم می‌توانند مددکار توسعه باشند ادامه داد: تجربه 70 سال گذشته نشان می‌دهد اگر دولت‌ها خودشان را متصدی توسعه بدانند، آرام‌آرام به مانعی برای دست‌یافتن به توسعه تبدیل می‌شوند. اکنون کشورهای چین و هند به عنوان دو اقتصاد در حال ظهور، بالاترین سهم را در پیش‌تاز کردن آسیا در پدیده جهانی شدن اقتصاد به خود اختصاص داده‌اند.

در این دو کشور، نقش دولت‌هایشان در توسعه اقتصادی، به‌طور مرتب کاهش پیدا کرده است. در حقیقت رشد اقتصادی و شتابان آنها در عرصه مورد بحث زمانی آغاز شد که آنها تصمیم گرفتند نقش دولت را از «متصدی» به «سیاست‌گذار» تبدیل و میدان را برای بخش خصوصی باز کنند.

این صاحب‌نظر اقتصادی افزود: اگر کشوری بخواهد توسعه پایدار و حضور در اقتصاد جهانی را سامان دهد و آن را تجربه کند، باید نقش دولت در اقتصاد را باز تعریف کند و این موضوع عیناً تعبیر دقیقی است که در سیاست‌های کلی ابلاغی برنامه پنجم و در سیاست‌های کلی اصل 44 به آن تأکید و تصریح شده است.

به گفته وی راه برون رفت از مشکلات تاریخی کشورمان در موضوع اقتصاد، فقط باز تعریف وظایف دولت در اقتصاد است. باید فضای اقتصادی کشور را رقابتی کنیم و بنگاه‌های اقتصادی‌مان این امکان را پیدا کنند که در داخل اقتصاد ایران که بزرگ هم هست، به تمرین رقابت بپردازند تا پس از رسیدن به چالاکي بتوانند در اقتصاد جهانی حضور یابند.

نهاوندیان در پاسخ به این که دولت در مسیر تحقق این مهم، چه وظایفی را برعهده دارد و آیا باید فقط در جهت ورود بخش خصوصی به اقتصاد گام بردارد گفت: دولت در شکل جدید، نه متصدی است و نه بی‌اعتنا به توسعه اقتصادی؛ بلکه وظیفه تسهیل‌گری رقابت و توانمندسازی بخش خصوصی را برعهده دارد که این نقش از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. باید موانعی که در قوانین و مقررات کشور و همچنین در فرهنگ عمومی وجود دارد، از بین برود.

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا کشورما از بخش خصوصی توانایی برای حضور در این عرصه و رقابت با کشورهای دیگر در میدان جهانی برخوردار است؟ در واقع باید گفت گاهی لازمه رقابت این است که شما اندازه بزرگی در اختیار داشته باشید و بتوانید با پایین آوردن قیمت تمام شده، شرایط بهتری را برای خود فراهم کنید که در بحث توانمندسازی بخش خصوصی موفقیت آن، درست می‌تواند نقش قابل توجهی داشته باشد. البته این نگرانی هم همواره وجود داشته است که اگر بنگاهی بزرگ شود، نقش انحصاری و شبه انحصاری پیدا می‌کند و نوعی ناکارآمدی ایجاد می‌شود. در اینجا است که نقش دولت در تعریف رابطه‌ها و اصلاح نهادهای اقتصادی اهمیت پیدا می‌کند. این بدان معنی است که ما نباید فقط به رقم رشد حساس باشیم بلکه باید به خود توسعه نهادی اقتصاد هم به همان اندازه علاقه‌مند و حساس باشیم که این دوما موضوع، دست در دست

رئیس دفتر رئیس جمهوری در این باره که برای رفع نگرانی از منفعت طلبی‌هایی در این عرصه باید به چه طریق عمل کرد گفت:

مساله رانت و پیدایی پدیده رفتار رانتي در بخش خصوصي، با دولت رانت‌ساز هم‌زاد است. يعني در قوانين و مقررات و همچنين شيوه تخصيص منابع است که امکان حصول درآمدهاي کلان بدون تلاشي توليدي و بدون ارزش افزوده، پيدا مي‌شود. شما معمولاً در ريشه‌يابي فساد اقتصادي، به ساختارهاي رانت‌ساز مي‌رسيد که در اقتصاد ما هم همين طور بوده است. در هر جايي سيستم دو يا چند قيمتي وجود داشته باشد، رانت کوچک يا بزرگي را شاهد خواهيم بود. به عنوان مثال در مساله ارز وقتي شما ارز ارزان و گران داشته باشيد فاصله قيمت در نرخ ارز، درآمد قابل توجهي است که بدون زحمت ايجاد مي‌شود و فقط کافي است که شما در لحظه و هنگام تصميم، ابتدائي صف باشيد.

گاهی هم دسترسي به برخي منابع و امتيازات، يك سري رانت‌هايي را با خود ايجاد مي‌کند. در واقع در نقطه توزيع امتيازات، توزيع رانت مي‌شود بدون اين که پولي رد و بدل شده باشد.

وي درباره علاج درد اين منفعت‌طلبي‌ها در اقتصاد ما ابراز عقیده کرد:

رقابتي کردن اقتصاد، گامي اساسي و بلند در اين بحث به شمار مي‌آيد؛ يعني بايد به طور جدي دنبال اين باشيد که سهم بازار را کنترل کنيد. بر اساس قوانين ضدانحصار که در کشورهاي مختلف وجود دارد و به آن عمل هم مي‌شود، نمي‌گذارند يك شرکت سهم بازارش از يك حدي بالاتر برود. وقتي شما کارآمدي بنگاه را از طريق رقابت بالا مي‌بريد، در کلان اقتصاد، کارآمديتان را بالا برده‌ايد. در حقيقت اين هزينه‌اي است که در بسياري از مواقع مورد غفلت قرار مي‌گيرد.

از سوي ديگر، يکي از وظائف جدي دولت، حمايت از توليد است و اين حمايت بايد به شکلي تعريف و اعمال شود که در طولاني مدت اقتصاد را مولد کند و نه فقط از آن يك بنگاه اقتصادي بسازد. همچنين حمايت طولاني مدت از توليدکننده‌اي که با کالاي نامرغوب به مصرف‌کننده آسيب مي‌رساند، مجموع اقتصاد را عقب نگه مي‌دارد و اين بدان معني است که توان توليدي شما، در حد توان رقابتي قرار نگرفته و قسمتي از منابع اقتصادي شما صرف ناکارآمدي شده است. نبايد فراموش کنيم که مصرف‌گران‌تر، فقط به ضرر مصرف‌کننده نيست، بلکه به کل اقتصاد آسيب وارد مي‌کند.

نهادنيان در اين باره که حمايت‌هاي دولت از بخش خصوصي بايد از چه ويژگي‌هاي برخوردار باشند چنين گفت: دولت بايد حمايت هدفمند و زمان‌دار را در برنامه‌هايش قرار دهد، يکي از تئوري‌هايي که هميشه در اقتصاد از آن ياد و به آن پرداخته مي‌شود، "حمايت از صنعت نوزاد" است؛ يعني صنعتي که هنوز به توليد انبوه نرسيده است لذا حمايتي خوب خواهد بود که هرچه زودتر اين صنعت را از نوزادي خارج کند. اگر صنعتي بعد از 10 تا 40 سال هنوز نيازمند تعرفه حمايتي 100 درصد است، نشانه آن است که حمايت‌هاي بي‌ثمر از آن شده است، لذا در اين ميان بايد به سراغ فکر و ايده جديد که همانا حضور در زنجيره توليد و عرضه جهاني است، برويم. اين حضور به طور حتم به خوداتکائي عمومي اقتصاد ما منجر مي‌شود. شما در اقتصاد وقتي مي‌توانيد روي پاي خود بايستيد که حضورتان در زنجيره بازار جهاني به گونه‌اي باشد که همان اندازه که به ديگران و به بازارشان نيازمند هستيد، آن‌ها هم به توليد و بازرگان نيازمند باشند؛ در اين صورت اين موفقيت به کليت اقتصاد شما تبديل مي‌شود و به جاي تکیه بر منابع تجدیدناپذیر نفتي، به توليد تکیه خواهيد کرد.

وي ادامه داد: يکي از نکات دقيق و حساس که ما بايد در تدوين استراتژي توسعه به ويژه در توسعه صنعتي مورد توجه قرار دهيم، مقوله توليد بيش از مصرف است، يعني به نقطه‌اي در اقتصاد برسيم که توليدمان بيشتر از مصرفمان باشد.

در اين مدل، توليد نفت ديگر جايگهي ندارد. يعني درآمد حاصل از منابع تجدیدناپذیر را نبايد مد نظر قرار دهيم و حساب کنيم، بلکه توليدات، کالا و خدماتي را بايد حساب کنيم که تجدیدپذیر باشند و براي تضمين بازار بايد چنان پيوند دسويه‌اي را با اقتصاد جهاني در شرايط برابر و رابطه عزتمدانه، شکل داده باشيم که اگر وابستگي وجود داشت، آن وابستگي متقابل باشد .

نهادنيان در پاسخ به اين که ايران از چه ظرفيت‌هايي براي حضور در عرصه اقتصاد جهاني و تحقق موارد يادشده برخوردار است گفت:

بايد به اين موضوع از دو منظر توان و بنيه توليدي و همچنين روابط اقتصادي نگاه کنيم و آنها را مورد بررسي و ارزيابي قرار دهيم.

از منظر توان تولیدی، کشور ما در عوامل تولید، کمی و کاستی زیادی ندارد و از ظرفیت‌های بالایی هم برخوردار است. همچنین ما در سرمایه انسانی از ظرفیت و توان بالایی بهره می‌بریم به نحوی که نیروی تحصیلکرده و جوانی که ایران در اختیار دارد، در اقتصادهای منطقه شبیه آن را نمی‌توانیم پیدا کنیم.

در منابع طبیعی هم در وضع خوبی به سر می‌بریم و اقتصاد ایران از این ویژگی، غنی است. شاید کشور ما با کم‌آبی مواجه باشد ولی با بهره‌وری آب، می‌توانیم به موفقیت‌های بیشتری در عرصه کشاورزی دست پیدا کنیم.

همچنین سرمایه‌گذاری‌های بالا در بخش‌های مختلف اقتصادی اعم از صنعت فولاد، مصالح ساختمانی، خودروسازی و راه، گازرسانی، برق‌رسانی و راه‌آهن، نشانگر این واقعیت انکارناپذیر است که ما در عوامل تولید کاستی نداریم، اما در مورد منظر دوم که بحث مدیریت و ارتباطات اقتصادی است، طی سال‌های گذشته به لحاظ اعمال تحریم‌ها و تشدید آن‌ها، با محدودیت‌هایی مواجه بوده‌ایم که بخش قابل توجهی از این محدودیت‌ها، سیاسی بوده است.

وی باتاکید براین که بنگاه‌هایی ما باید با افزایش کارآمدی خود، توانشان را برای رقابت در عرصه جهانی افزایش دهند و در سطح کلان هم باید مناسبات اقتصادی ما به عنوان یک کلیت، با اقتصادهای دیگر در یک شرایط تعاملی قرار گیرد: دولت به دنبال آن است که با تعامل سازنده با جهان، هم در سطح بنگاه‌های خرد و هم در سطح خود دولت و اقتصاد کشور، یک تعامل دوسویه عزتمندانه‌ای را شکل دهد و ما با همین رویکرد، مذاکرات هسته‌ای را ادامه داده‌ایم. در حقیقت هدف این است که ما در مناسبات به برد برد برسیم و شرایط را برای حضور عزتمندانه ایران در اقتصاد جهانی فراهم کنیم.

به بیان وی، در سیاست‌های کلی این اصل، شاهد تغییراتی از قبیل توانمندسازی بخش خصوصی و باز تعریف نقش دولت در اقتصاد هستیم. براساس این سیاست‌ها، دولت از تصدیگری دست برمی‌دارد و باید به سمت سیاست‌گذاری و نظارت حرکت کند. این یک تحول انقلابی است و همچنین انقلابی براساس «مردم‌باوری» در اقتصاد به شمار می‌آید. به همین دلیل، این نگاه یک دستاورد بزرگ فرهنگی - گفتمانی است که در حوزه اقتصاد به این موضوع برسیم که لزوماً بخش خصوصی زیانکار و غارتگر نیست.

وی درباره آسیب شناسی ناشی از ورود بخش خصوصی به اقتصاد گفت: باید مراقب باشیم که میدان دادن به بخش خصوصی با نبود نظارت‌ها و تدوین نشدن نهادهای توازن‌ساز، به سوء استفاده‌هایی منجر نشود و مجدداً در فرهنگ عمومی یک بدبینی جدید یا بازگشت به بدبینی‌های گذشته نسبت به سرمایه‌گذاری رقم نخورد. لازمه میدان دادن و گسترده کردن فعالیت بخش خصوصی این است که ما یک دولت مقتدر همراه با انجام وظیفه لازم خودش در حوزه سیاست‌گذاری و نظارت داشته باشیم. دولت باید به همان اندازه‌ای که از تصدی دست بر می‌دارد، باید از آن طرف هم در سیاست‌گذاری و نظارت، قویتر عمل کند.

نهادن به یکی از نگرانی‌هایی که در اینجا مطرح است، یعنی موضوع نحوه خصوصی‌سازی‌ها اشاره کرد و گفت: تجربه خصوصی‌سازی در کشور نشان می‌دهد مقدار زیادی از واگذاری‌هایمان نه در بخش خصوصی واقعی و در فضای رقابتی، بلکه به یک پدیده جدیدی به نام «بخش عمومی غیردولتی» منتقل شده است که لزوماً از آن کارآمدی‌های بخش خصوصی و خودکنترل‌هایی که در فضای رقابتی او را کارآمد می‌کند، برخوردار نیست و از آن طرف هم چون از بخش دولتی خارج شده، از نظارت‌های دولتی هم مصون مانده است.

وقوع فسادها، ناکارآمدی‌های شبهه انحصارها پیامدهای این وضع خواهد بود که باید مراقبت لازم انجام گیرد.

این صاحب‌نظر اقتصادی خاطرنشان کرد: بنگاه‌هایی ما باید کارآمدتر شوند و همچنین مدیریت‌های روزآمدی را لازم داریم که خوشبختانه در برنامه‌های اقتصادی دولت یازدهم، به این نکات توجه ویژه‌ای شده است. توجه دولت در همان ماه‌های نخست به بهبود محیط کسب و کار، کاملاً نشانه روشنی از این معنی است.

دولت برای توسعه و افزایش تولید، نخستین تصمیم خود را برای سرمایه‌گذاری ساخت فلان کارخانه اتخاذ نکرد، بلکه نخستین تصمیم خود را اجرای مصوبه 38 ماده‌ای بهبود محیط کسب و کار قرار داد که در این میان رقابتی کردن فضا و حذف مقررات زائد و غیرضرور و همچنین از میان برداشتن رانت‌ها از اهداف اصلی به شمار می‌آیند تا بتوانیم شرایط لازم را برای حضور برابر بنگاه‌ها در عرصه‌های تولید و سرمایه‌گذاری فراهم کنیم. البته اجرای این مصوبه به تحقق کامل نرسیده است اما این عزم نشان داده شده است که ما باید به سمتی برویم که در مناقصه و مزایده‌ها هم دسترسی به اطلاعات را برای رقابت متقاضیان فراهم کنیم. البته بخش خصوصی هم باید به سرعت گام‌های تکامل و بلوغ خود را بردارد و تشکلهای این بخش باید از توان مشورت‌دهی برخوردار شوند و در حقیقت صداها، متفاوت و گاهی متناقض و معارض از بخش خصوصی برای سیاست‌گذاری خیلی مفید نیست و کنترل‌های درونی برای مبارزه با فساد و رانت‌خواهی می‌تواند کمک زیادی به دولت برای اصلاح فضای

رقابتي کند. وي درپاسخ به اين که چنانچه مذاکرات سياسي با 1+5 به نتيجه برسد، آيا مي توان انتظار داشت که کمپاني هاي جهاني به سرعت وارد ايران شوند و ايران به عنوان يك پايگاه منطقه اي براي توليدات کمپاني هاي معتبر قرار گيرد گفت:

حصول توافق در مذاکرات هسته اي به طور حتم يك گام ارزشمند و بلند در مساعد کردن مناسبات سياسي ما با دنيا براي خيز اقتصادي و داشتن رشد پايدار صادرات گرا به شمار مي آيد، اما قبل از اين که ما چشم اميد به سرمايه گذاري کمپاني هاي بزرگ داشته باشيم، نخستين اثر اقتصادي توافق اين موضوع خواهد بود که بسياري از منابع داخلي که به دليل محدوديت هاي اقتصادي خارج از کشور سرمايه گذاري مي شدند، به کشور بازمي گردند. پول ايراني به جاي اين که در کشورمان سرمايه گذاري شود، به چين رفته و در آنجا با ساخت کارخانه، سرمايه گذاري شده است و علاوه بر اين، توليدات خود را هم با يك ليبل و برچسب ديگري به غير از ساخت ايران، عرضه مي کرده است تا دچار محدوديت هايي در بازار صادرات نشود. اما نکته بسيار مهم اين است که سرمايه گذاري يك سري لازمه هايي را در امنيت اقتصادي طلب مي کند. در حقيقت امنيت اقتصادي فقط به اين معنا نيست که سرمايه گذاري مطمئن باشد اگر طبق قانون عمل کرد، کسي کاري به کارش ندارد، بلکه بايد بدانند چه قانون و مقرراتي را بايد رعايت کند.

بايد قدرت برنامه ريزي اقتصادي را به سرمايه گذار ارزاني کنيم، يعني او بداند اين قانون، قانون ماليات ما ست و تا 20 سال ديگر هم همين گونه است يا اين که بداند قانون تجارت ما تا 20 سال ديگر هم همين قانون خواهد بود. مزاحمت هاي سرمايه گذاري بايد از اقتصاد ايران رخت بندد. سرمايه گذار بايد با يك دستگاه و يك محل براي سرمايه گذاري و راه اندازي يك واحد و کارخانه توليدي روبرو باشد نه اين که هنگام شروع به کار و ادامه فعاليتش هر لحظه با يك دستگاه مجزا مواجه شود و اين همان موضوعي است که رهبر معظم انقلاب از آن به عنوان "پنجره واحد" ياد کرده اند. همه اقدامات ما بايد از يك همگرابي و هماهنگي برخوردار باشد و در اين صورت مي توانيم از اين گامي که برداشته شده است، در مذاکرات هسته اي استفاده کنيم، در اين صورت سرمايه گذاري خارجي و شرکت هاي چند مليتي وقتي مي بينند يك ايراني هم سرمايه اش را در داخل کشورش سرمايه گذاري مي کند، او هم وارد اين عرصه مي شود. ايران از توانايي و پتانسيل بالايي براي تبديل شدن به هاب انرژي منطقه دارد، البته دولت ديگر به دنبال سرمايه گذاري نيست و اگر هم قصد داشته باشد، نمي تواند، لذا لازمه ورود سرمايه گذار بخش خصوصي، ايجاد فضاي مطمئن است که بعد خارجي اصلاح مناسب سياسي و رفع تحريم ها و در بعد داخلي آن، اصلاح مقررات اهميت دارد.

نهادنيان با بيان اين که بايد ريشه هاي اقتصادي به وجود آمدن فساد را شناخت و ريشه کن کرد افزود: همچنين بايد فضاي حقوقي نامساعدتي را که امکان وقوع فساد را ايجاد و فراهم مي کند، شناسايي و درصدد اصلاح آن برآييم. ما متأسفانه در بخشي از سال هاي گذشته به غير از ريشه هاي اقتصادي و اقتصاد رانتي در جنبه حقوقي يك نوع قانون گريزي را شاهد بوديم. نبايد فراموش کنيم که مقررات يك کشور مانع فساد و سوء استفاده از منابع ملي مي شود. اگر حرمت قانون شکسته شود و اگر در داخل دستگاه هايي که خود آنها بايد حامي و مجري قانون باشند تخطي از مقررات را به عنوان شجاعت يا به عنوان ارزش مديريت تلقي کردند، در تلقي از شجاعت ديگر در سطح آن مديراني که ممکن است پاکدست هم باشند، متوقف نمي شود و به ديگران، اجازه و تجري جسارت و قانون شکني را مي دهد. بسيار مهم است که فرهنگ حاکم بر مجموعه اقتصاد و بر دستگاه هاي حاکميتي، فرهنگ احترام به قانون باشد يا فرهنگ قانون شکني و قانون گريزي.

سابقه نداشت پس از ملي شدن نفت، به يك شخص بدون اخذ ضمانت هاي لازم نفت بدهند و آن شخص نفت را بفروشد و درآمدش را در اختيار نگه دارد و وقتي هم که سراغ او بروند دستشان، به چيزي بند نشود و حتي با انکار مواجه شوند. از سوي ديگر کل اين فرآيند هم مورد حمايت هاي برخي افراد و برخي دستگاه ها در مجموعه دولت قرار گرفته باشد. بعد از پيروزي انقلاب اسلامي، مردم از متصديان حکومتي انتظار داشتند امانتدار باشند نه اين که طعمه جو. ضرر و آسيب فساد، فقط آن پولي که ضايع شده است، نيست بلکه اثر منفي و مخربي در ذهني حاکميتي ايجاد مي کند. در حقيقت مسير اصلاح اقتصاد که بايد به سمت رقابتي کردن و اعتماد بيشتر حرکت مي کرد، در مسير عکس تحريك مي کند و ضرر هاي فراواني به سرمايه اجتماعي وارد مي کند که البته اگر اين فساد در کنار دولت شکل بگيرد، ضرر هاي بيش تري را وارد خواهد کرد. وي با بيان اين که شفاف سازي و رقابت دو داروي درد فساد هستند افزود: با رقابت مي توانيم رقيب را عهده دار نظارت بر بنگاه کنيم و به تعبيري يك مدل خود کنترلي اعمال مي شود. همچنين دولت و قانون بايد هر چه بيشتر به دنبال شفافيت باشند. هر چه در پستو و تاريخ خانه در اقتصاد بيشتر باشد، فساد هم از همان مراکز بيرون خواهد آمد. دستگاه هايي که در حوزه اقتصادي فعاليت مي کنند بايد از بيشترين درجه شفافيت برخوردار باشند، زيرا لازمه کار اقتصادي، شفافيت و گزارش دهی است. اگر دستگاهي با شفافيت عمل کند، احتمال وقوع فساد به کمترين ميزان خواهد رسيد که البته هيچ وقت و در هيچ جايي نمي توان احتمال فساد را به صفر رساند و برخورد قاطع با فساد هم در مقابل احتمال تکرار و بروز مجدد آن، تاثير گذار خواهد بود.